



آنتونیو گرامشی

نامه‌های زندان

جلد اول ■ از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸

به کوشش

سرجو کاپریولیو، السا فوبینی

ترجمه اثمار موسوی‌نیا



نشرنی



آنتونیو گرامشی

نامه‌های زندان

جلد اول ■ از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸

به کوشش

سرجو کاپریولیو، السا فوبینی

ترجمهٔ اثمار موسوی‌نیا



نشرنی

سرشناسه: گرامشی، آنتونیو، ۱۸۹۱-۱۹۳۷م. Gramsci, Antonio. • عنوان و نام پدیدآور: نامه‌های زندان/ آنتونیو گرامشی؛ به کوشش سرجو کاپریولیو، السا فوبینی؛ ترجمه اثمار موسوی‌نیا. • مشخصات نشر: تهران، نشرنی، ۱۴۰۱. • نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۴۰۱. • مشخصات ظاهری: جلد اول. ۳۵۶ س. • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۶-۰۴۶۲-۴. • یادداشت: کتاب وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا. • یادداشت: عنوان اصلی: Lettere dal carcere, 1968. • یادداشت: کتاب حاضر با همین عنوان با ترجمه مریم علوی‌نیا توسط آگاه در سال ۱۳۶۲ منتشر شده است. • یادداشت: کتابنامه • مندرجات: جلد اول از ۱۹۲۶-۱۹۲۸ • موضوع: کمونیسم Communism • شناسه افزوده: کاپریولیو، سرجو • شناسه افزوده: Antonio-Correspondence • موضوع: موسیقی • گرامشی، آنتونیو، ۱۸۹۱-۱۹۳۷م. • نامه‌ها • موضوع: Gramsci, Antonio • شناسه افزوده: Caprioglio, Sergio • شناسه افزوده: فوبینی، السا • شناسه افزوده: Fubini, Elsa • شناسه افزوده: موسوی‌نیا، اثمار، ۱۳۵۶-، مترجم • رده‌بندی کنگره: HX۲۸۸ • رده‌بندی دیویی: ۳۲۵/۴۰۹۴۵ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۲۵۴۳۹ • اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان



نشرنی

نامه‌های زندان (جلد اول از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸)
آنتونیو گرامشی

مترجم: اثمار موسوی‌نیا

ویرایش: تحریریه نشرنی

صفحه‌آرا: لیلیا گل‌دوست

• چاپ و صحافی: پردیس دانش

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۱، ۷۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۶-۰۴۶۲-۴

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰
کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: infonashreny.com •  nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه به قلم سرجو کاپریولیو
۱۹	سال شمار زندگی آنتونیو گرامشی
۵۷	نامه های زندان
۳۱۳	منابع و مآخذ سال شمار
۳۱۷	نام نامه

مقدمه مترجم

اثری که پیش روی تان است نیاز چندانی به معرفی ندارد. گذشته از اهمیت آن در عالم اندیشه سیاسی، منبعی مهم و پرارزش برای درک شخصیت راستین گرامشی، ویژگی های فکری و اخلاقی و عمق مطالعات او و فهم آرای او در عرصه جامعه شناسی سیاسی و مطالعات فرهنگی قلمداد می شود. انگیزه ام در انتخاب این کتاب برای ترجمه هم آرزو و اشتیاق دیرینه ام برای ترجمه اثری از این متفکر برجسته انقلابی بوده و هم خصلت تأثیرگذار و رهایی بخش و الگو و راهنما بودن او در زندگی. در این اثر استثنایی با انسانی تمام عیار مواجهیم که در آستانه خاموشی ابدی ایستاده، اما هر بار که به ورطه ترس و یأس کشانده می شویم با نیروی اراده ای تزلزل ناپذیر به ما درس شجاعت و استقامت می دهد. طنین صدای او به رغم گذشت سال ها از سطر سطر مکاتباتش هر چه رساتر و زنده تر به گوش می رسد و ایمان و امید را مثل هوای خوش در ما می دمد. گرامشی در نامه هایش بیش از هر جای دیگر به این سخن خود نزدیک می شود که هر انسانی که به نگرش، فهم زندگی و درک روابطش با انسان های دیگر برسد و با اراده و آگاهی و شورمندی بر زندگی و جهان پیرامون خود تأثیر بگذارد کم و بیش فیلسوف است. هر انسانی که برای زندگی ارزش قائل باشد فیلسوف و با فرهنگ است. فرهنگ صرفاً داشتن ذهنی انباشته از دانسته ها نیست، بلکه تلاش برای درک و لمس زندگی است، و حفظ این زندگی مستلزم مبارزه ای سخت و عزمی راسخ است.

ترجمه متن کامل نامه های زندان گرامشی به دلیل گستردگی موضوع ها و مضامینی که در نامه ها به آن ها پرداخته شده است کاری دشوار، وقت گیر و پر مخاطره است. از این رو، مترجم

در مواجهه با چنین متنی باید با ادبیات، تاریخ، فلسفه، اقتصاد سیاسی، مباحث زبان‌شناسی، فرهنگ عامه و غیره آشنا باشد. بی‌تردید خواندن آن نیز برای خوانندگان مستلزم رویارویی با این دشواری‌ها خواهد بود. اما عشق و اشتیاق به بازآفرینی این کلام زنده و پرشور در زبان فارسی، انتقال روح اثر و موسیقی متن در عین حفظ معنا، و آفرینش زبانی شایسته متن اصلی، این راه دشوار و پرمخاطره را برای مترجم (که این اثر را چون سفری بی‌پایان زیسته) هموار کرده است. امید که با این ترجمه، که حاصل چند سال زحمت است، به سهم خود گامی در معرفی بهتر این چهره تاریخی و جایگاه مهم او برداشته باشم و تلاشم برای کامل کردن تصویر گرامشی‌یا، به گفته جوزپه فیوری در اثر استثنایی و تأثیرگذارش، زندگی مردی انقلابی^۱، برای علاوه کردن «تنه و پا» به «سر»ی که خوب می‌شناسیم، بی‌ثمر نبوده باشد.

در ترجمه کتاب حاضر که مستقیماً از زبان ایتالیایی انجام شده و در مواردی با ترجمه انگلیسی نیز مقابله شده است سپاسگزار همه کسانی هستم که پیش از من در این راه گام نهاده‌اند. از گزیده نامه‌های زندان^۲ گرامشی (با ترجمه مریم علوی‌نیا) در رفع بسیاری از تردیدها و ابهام‌ها بهره برده‌ام. همچنین کتاب‌های زندگی مردی انقلابی اثر جوزپه فیوری (با ترجمه مهشید امیرشاهی)، دولت و جامعه مدنی^۳ (با ترجمه عباس میلانی) و شهریار جدید^۴ (با ترجمه عطا نوریان) در شناخت آرا و ویژگی‌های فکری گرامشی برایم بسیار سودمند بوده‌اند و برخی از مضامین کتاب را برایم قابل فهم کرده‌اند. برای آن‌که کار آسان‌تر پیش برود و با سرعت و کیفیت مطلوب به سرمنزل برسد نامه‌های زندان بر اساس تقسیم‌بندی ویراستاران ایتالیایی و مقطع‌های زمانی مشخص به چهار جلد تقسیم شده است. جلد اول: نامه‌های ۱ تا ۱۰۰، از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸، سال‌هایی که گرامشی در جزیره اوستیکا و بعد در زندان میلان در انتظار محاکمه به سر می‌برد. جلد دوم: نامه‌های ۱۰۱ تا ۲۲۱، از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۱، سال‌هایی که گرامشی پس از محاکمه در زندان توری به سر می‌برد. جلد سوم: نامه‌های ۲۲۲ تا ۳۷۵، از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳، سال‌هایی که گرامشی پس از پنج‌مین سال حبس تا زمان بستری

۱. جوزپه فیوری (۱۳۶۰). آنتونیو گرامشی، زندگی مردی انقلابی، ترجمه مهشید امیرشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

۲. آنتونیو گرامشی (۱۳۶۲). نامه‌های زندان، ترجمه مریم علوی‌نیا، تهران: انتشارات آگاه.

۳. آنتونیو گرامشی (۱۳۹۶). دولت و جامعه مدنی، ترجمه عباس میلانی، تهران: انتشارات اختران.

۴. آنتونیو گرامشی (۱۳۸۶). شهریار جدید، ترجمه عطا نوریان، تهران: انتشارات اختران.

شدنش در زندان توری به سر می برد. جلد چهارم: نامه های ۳۷۶ تا ۴۲۸، از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷، سال های انتقال به در مانگاه فورمیا و کوئسیسانا تا واپسین روزهای خاموشی.

عناوین و مقالات کتاب های غیر ایتالیایی را، که در متن اصلی به زبان فرانسه، انگلیسی، آلمانی و گاه زبان های دیگر آمده اند، به فارسی برگردانده ام تا فهم متن برای خوانندگان آسان تر شود و صورت اصلی آن ها در پانوشت ها یا نام نامه انتهای کتاب آمده است. در مورد کتاب هایی که ترجمه آن ها به فارسی موجود است از عناوین آشنای فارسی بهره برده ام. از آن جا که تلاش ویراستاران ایتالیایی در این جهت بوده که اصالت متن نامه ها حفظ شود و برخی از خطاهای سهوی متن یا موارد سانسور شده به همان شکل دست نخورده باقی بمانند و شکل صحیح همراه با توضیح در پانوشت ها ذکر شود، من نیز به همان ترتیب عمل کرده ام. ضبط اسامی اشخاص و نشریات به زبان های مختلف را براساس تلفظ آن ها در زبان مبدأ آورده ام. همه پانوشت های متن از ویراستاران متن اصلی اند، به جز آن هایی که با علامت «-م.» مشخص شده اند و از مترجم اند.

در این جا وظیفه خود می دانم از همه کسانی که به انتشار این کتاب یاری رساندند قدردانی کنم. سپاس خود را به آقای جعفر همایی، مدیر فرهیخته نشر نی، به خاطر اعتماد و پشتیبانی شان در چاپ این ترجمه تقدیم می کنم. به لطف ایشان شرایط مناسبی برای مترجم فراهم شد تا اثر با کیفیت مطلوب به ثمر برسد. از آقای رضا رضایی سپاسگزارم که متن ترجمه را پیش از انتشار با دلسوزی و دقت خواندند، درباره ضبط و ترجمه اسامی و اصلاح بسیاری از ابهاماتم در ترجمه و بهبود متن فارسی پیشنهادهای ارزنده ای دادند، و نیز به خاطر اظهار نظرهای علمی و دقیق شان و همه درس هایی که در جریان این کار از ایشان آموخته ام سپاسگزارم. از خانم نرگس ایمانی نیز تشکر می کنم که متن نهایی را پیش از انتشار با دقت و دلسوزی خواندند و تذکرات و پیشنهادهای ایشان در بهبود متن بسیار سودمند بود. از نورا موسوی نیا به خاطر تشویق، همراهی، بخشندگی و کمکش به هر شکل و در هر مرحله بسیار متشکرم. همچنین ممنونم از دست اندرکاران نشر نی که مراحل پر زحمت و دقیق آماده سازی و انتشار کتاب را پیش بردند و وسواس هایم را تحمل کردند. طبعاً هر کاستی و لغزشی در متن باشد مسئولیت آن با مترجم است.

اثمار موسوی نیا

زمستان ۱۳۹۹

مقدمه به قلم سرجو کاپریولیو

بخش اعظم نامه‌های آنتونیو گرامشی، پس از بازداشت در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۲۶، خطاب به اعضای خانواده‌اش است: همسر و دو فرزندش، خواهر همسرش، مادر، خواهرها و برادرش کارلو. تنها بخش کوچکی از نامه‌ها خطاب به دوستانش هستند [، از جمله پیرو سِرَاقا و جوزپه برتی]. در این جا لازم می‌دانم شرح حال مختصری از برخی اشخاصی که مکاتبات با آن‌ها صورت گرفته ارائه کنم.

مادر گرامشی، جوزپینا مارچاس (۱۸۶۱-۱۹۳۲)، دختر یک مأمور وصول مالیات و از تبار کوزیاس بود. او با فرانچسکو گرامشی ازدواج کرد و صاحب هفت فرزند شد: جنارو، گراتسیتا، اِما، آنتونیو، ماریو، تیرزینا، و کارلو. جنارو («ناتارو») در کالیاری حسابدار و خزانه‌دار «اتاق اصناف» بود، و بعدها در تورینو به سمت دبیر روزنامه لودینه نوووا درآمد. در دسامبر ۱۹۲۲، پس از این که به دست فاشیست‌ها زخمی شد، به فرانسه و بلژیک مهاجرت کرد و مراقبت از دخترش، اِدمنا («مِنا»)، را بر عهده مادرش و گراتسیتا گذاشت. اِما در سد تیرسو مشغول به کار شد و در دسامبر ۱۹۲۰ بر اثر ابتلا به مالاریای بدخیم درگذشت. ماریو در وارزه زندگی می‌کرد و صاحب دو فرزند بود: جانفرانکو و چزارینا. ترزینا پس از استخدام شدن در اداره پست گیلارترزا با پائولو پائولزو ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد: فرانکو، میما، دیدی و مارکو. کارلو در ساردنیا بازرس شرکت تعاونی

لبنیات بود. او در ۱۹۳۱ به میلان منتقل شد و در شرکت اِسنیا ویسکوزا مشغول به کار شد تا به برادرش آنتونیو در زندان یاری رساند.

یولیا («جولیا»، «یولکا») شوخت [همسر گرامشی] در ۱۸۹۶ در ژنو زاده شد، در خانواده‌ای اسکاندیناوی تبار که در اوایل قرن هجدهم، در دوران سلطنت پتر کبیر، به روسیه مهاجرت کرده بودند. پدرش، آپولون شوخت (۱۸۶۰-۱۹۳۸)، که در سال‌های ۱۸۸۴-۱۸۸۶ از پترزبورگ به سبیری تبعید شده بود، فرصت مناسبی برای دیدار و آشنایی با لنین در سامارا و پترزبورگ به دست آورد. او پس از مهاجرت، با همسر و یولیا و فرزندان دیگرش یوگنیا («انوجنیا»، «جنیا»)، آنا، تاتیانا («تاتیا») و ویکتور در مون‌پلیه و ژنو زندگی می‌کرد. در ۱۸۹۳، در ژنو، فرصت دیداری دیگر با لنین برایش حاصل شد. شوخت‌ها، در اوایل قرن، به رم در ایتالیا نقل مکان کردند. در آن‌جا یولیا در مدرسه موسیقی وابسته به آکادمی سانتا چچلیا تحصیل کرد و در ۱۹۱۵ دیپلم ویلن گرفت. آنا نیز موسیقی آموخت، و تاتیانا و یوگنیا در مؤسسه هنرهای زیبا دوره نقاشی را گذراندند. در ۱۹۱۳ خانواده شوخت بنا کردند به ترک گفتن ایتالیا. یوگنیا و آنا به وارسا و نقل مکان کردند؛ آپولون و پسرش، ویکتور، به سوئیس رفتند. حول و حوش اواخر ۱۹۱۶ همه خانواده در مسکو گرد هم آمدند، به استثنای تاتیانا که در ایتالیا مانده بود. در تابستان ۱۹۲۲ یولیا، که در مدرسه موسیقی ایوانو و تدریس می‌کرد و در سازمان محلی حزب کمونیست مشغول به کار شده بود، برای دیدار خواهرش یوگنیا، که از بحران عصبی رنج می‌برد، به طور منظم به آسایشگاه سربرینای بور نزدیک مسکو سر می‌زد. همان‌جا با آنتونیو گرامشی آشنا شد که اندکی پس از رسیدنش به مسکو در ژوئن همان سال در آن آسایشگاه بستری شده بود. حاصل آشنایی و پیوند آن‌ها دو فرزند بود: دلپو در اوت ۱۹۲۴ و جولیانو در اوت ۱۹۲۶ به دنیا آمدند. یولیا در پاییز ۱۹۲۵ همراه با دلپو کوچک به ایتالیا آمد. اما در تابستان ۱۹۲۶ به مسکو بازگشت، زیرا احساس کسالت می‌کرد و از بحران روانی رنج می‌برد، از همین رو سفرش به ایتالیا ناتمام ماند و نتوانست با همسرش دیدار کند.

تاتیانا [خواهر همسر گرامشی]، در رم، پس از فارغ‌التحصیل شدن از رشته علوم طبیعی، در انستیتو بین‌المللی کراندون در خیابان ساوونیا آغاز به تدریس کرد. او که شیفته داروشناسی نیز بود، دوره‌های آموزشی پروفیسور رافائله باستیانلی را سپری کرد. گرامشی

پس از بازگشت به ایتالیا در ۱۹۲۴ در اوایل ۱۹۲۵ با او آشنا شد: گرامشی در آن زمان نزد خانواده اشرایدر، یک مهاجر انقلابی سوسیالیست، اقامت داشت. این تاتیانا بود که با وجود وضعیت نامناسب جسمانی اش، پس از بازداشت گرامشی همیشه به او رسیدگی می کرد و تسلی بخش آلام او بود. وقتی گرامشی به میلان منتقل شد تاتیانا نیز راهی آن جا شد، و پس از محاکمه گرامشی مرتباً در توری و همراه برادر گرامشی، کارلو، در فورمیا و رم به ملاقاتش می رفت. او در سال ۱۹۳۹ به مسکو بازگشت و در سال ۱۹۴۱ از دنیا رفت.

پیرو سِرافا در ۱۸۹۸ در تورینو زاده شد، در دبیرستان دازلیو درس خواند و در رشته حقوق از دانشگاه تورینو فارغ التحصیل شد. در ۱۹۱۹ با گرامشی آشنا شد. از اعضای گروه دانشجویان سوسیالیست تورینو بود و با هفته نامه لوردینه نوووو، که متونی را از زبان انگلیسی برای آن ترجمه می کرد، ارتباط داشت. در ۱۹۱۲، به عنوان خبرنگار لوردینه نوووو عازم سفری تحقیقاتی به انگلستان شد. برخی از یادداشت هایش مانند «حرکت کارخانه های خارج از اتحادیه»^۱ و «رهبران کارگران»^۲ در آن زمان در روزنامه منتشر شدند. یکی از نامه هایش با نقد گرامشی در لوردینه نوووو، دوره ۳ (۱-۱۵ آوریل ۱۹۲۴)، منتشر شد. کار تدریس را در دانشگاه پروجا و کالیاری آغاز کرد؛ در سال ۱۹۲۷ به دانشگاه کیمبریج دعوت شد و در کینگ کالج و ترینیتی کالج کرسی استادی اقتصاد سیاسی را برای چندین سال کسب کرد. پس از بازداشت گرامشی، برای یاری رساندن به دوستش از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. همیشه از طریق تاتیانا با او در تماس بود، و طی مبارزه ای بین المللی خواهان تجدید نظر در حکم دادگاه شد که در این بین می توان به نامه اکتبر ۱۹۲۷ منتشر شده در روزنامه منچستر گاردین اشاره کرد. همان سال در میلان در زندان سان ویتوره با گرامشی ملاقات کرد. در ۱۹۳۱، پس از اولین بحران جسمی گرامشی به زندان توری رفت، اما اجازه دیدار با او را نیافت. نامه های گرامشی را، که تاتیانا برای سِرافا از آن ها رونوشت برمی داشت، در پاریس به دست حزب کمونیست ایتالیا رساند و برای دیدار دوستش به فورمیا و در مانگاه کویسیسانا در رم رفت. پس از مرگ گرامشی، تاتیانا نامه ای خطاب به او نگاشت که در ضمیمه می خوانید.

جوزپه برتی در ۱۹۰۱ زاده شد، در ۱۹۱۸ به جنبش جوانان سوسیالیست در پالرمو ملحق

شد. در ۱۹۲۱ دبیر فدراسیون جوانان کمونیست و دبیر هفته‌نامه کمونیستی لاوانگواردیا^۱ شد. در ۱۹۲۳ بازداشت و در اکتبر همان سال در نخستین محاکمه رهبران حزب کمونیست ایتالیا تبرئه شد. در ۱۹۲۶ بار دیگر بازداشت و به اوستیکا تبعید شد و پس از آن به اتهام اقدامات ضدفاشیستی در تبعید به دادگاه ویژه دفاع از کشور احضار شد. در سال ۱۹۳۰ آزاد شد و نخست به فرانسه، آن‌گاه به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و در آن‌جا مشغول فعالیت‌های ضدفاشیستی شد. در سال ۱۹۴۵ به ایتالیا بازگشت و به‌عنوان نماینده مجلس و بعد سناتور برگزیده شد. وی آثار تاریخی بسیاری به رشته تحریر درآورده است.

گرامشی در دوره تبعید به اوستیکا اجازه داشت بدون محدودیت ۴ تا ۱۶ نامه بنویسد. در دوره بعدی، نامه‌نگاری مشروط به قوانین زندان بود. در ۱۴ ژانویه ۱۹۲۷، در پی حکم صدور جلب او توسط دادگاه میلان، به زندان میلان منتقل شد؛ در آن‌جا می‌توانست هر هفته دو نامه بنویسد (نک. به: نامه‌های ۲۱ و ۱۱۲). برای محاکمه در مه ۱۹۲۸ به زندان رجینا کونلی در رم منتقل شد (نک. به: نامه ۱۰۰). او را به بیست سال و چهار ماه و پنج روز زندان محکوم کردند و به زندان ویژه توری فرستادند (نامه‌های ۱۰۲-۳۷۵). در آن‌جا فقط می‌توانست به اعضای خانواده‌اش نامه بنویسد: نخست (ژوئیه ۱۹۲۸-ژوئیه ۱۹۳۱) فقط هر پانزده روز یک بار، بعدها هر هفته. گرامشی با توجه به چنین محدودیت‌هایی اغلب نامه‌هایی را که برای اعضای مختلف خانواده‌اش می‌فرستاد یکجا روی یک ورق کاغذ می‌نوشت و همه را در یک پاکت می‌گذاشت. پس از وخیم شدن وضع سلامتی‌اش به درمانگاه دکتر کوزومانو در فورمیا منتقل شد (نوامبر ۱۹۳۳)، و در آن‌جا منتظر دستور انتقال به بیمارستان زندان چپیتاویگیا ماند (نامه‌های ۳۷۶-۳۷۸). در فورمیا، کارلو و تاتیانا در کنار گرامشی بودند. تاتیانا در این مقطع در رم زندگی می‌کرد، و برای همین نامه‌های ارسال‌شده به او در این برهه زمانی بسیار اندک‌اند (نامه‌های ۳۷۹-۳۸۳). عاقبت در پاییز ۱۹۳۴ با آزادی مشروط گرامشی موافقت شد و اجازه یافت از درمانگاه کویسیسانا در رم آزادانه نامه بنویسد (نامه‌های ۳۸۴-۴۲۸، که برخی از آن‌ها بدون تاریخ هستند و ممکن است جزو نامه‌هایی باشند که قبلاً نوشته شده‌اند).

1. L'Avanguardia = لاوانگواردیا آوانگارد

نامه‌ها از همان اوایل انتقال به زندان میلان روی کاغذی نوشته شده‌اند که دارای مُهر «مکاتبات» و تاریخ است، و گرامشی همیشه مراقب بود تاریخ نامه زیر سطرهای نوشته‌هایش پنهان نشود. نامه‌ها وقتی به اداره پست تحویل داده می‌شدند مجدداً مُهر می‌خورند: یک مُهر گرد با نشان خاندان ساووی^۱ که دورتادورش حروف «دادگاه نظامی میلان، اداره بازجویی» آمده، و با وجود این مُهر، خواندن برخی از کلمات نامه‌ها دشوار است. در زندان توری نیز نامه‌ها دارای مِمان مُهر گرد با نشان خاندان ساووی هستند که نوشته «بازداشتگاه ویژه توری» (و نیز «بازداشتگاه معلولان جسمی و ذهنی، توری (باری)») دورتادورش نقش بسته است، و مُهری دیگر که اغلب این نوشته دورتادورش به چشم می‌خورد: «بسته‌های حاوی مواد غذایی پذیرفته نمی‌شوند.» کمی پایین‌تر شماره شناسایی که با دست نوشته شده است: ۷۰۴۷. در نامه‌های چویتاوگیا این مُهرها دیده می‌شوند: «زندان چویتاوگیا»، «از ارسال اشیای گران‌قیمت در نامه‌های عادی محکومان خودداری کنید»، «دریافت خواربار از بیرون برای محکومان قَدغن است» و شماره شناسایی، و نیز همان مُهر گرد با نشان خاندان ساووی با نوشته «بازداشتگاه چویتاوگیا، سانسور» دورتادورش. نامه‌های ارسال‌شده از فورمیا مُهر خورده‌اند، اما متن خوانا نیست.

همه نامه‌های گرامشی، که از تبعید و زندان ارسال شدند، به مقصد نرسیدند: برخی از نامه‌ها در سال‌های حکومت فاشیسم و جنگ گم شدند؛ برخی دیگر توسط پلیس ضبط شدند و هرگز به مقصد نرسیدند. بخشی از نامه‌های اصلی موجودند، اما از نامه‌های دیگر فقط نسخه‌کپی در دسترس است؛ همان نسخه‌هایی که تاتیانا، خواهر همسر گرامشی، برای خانواده و یاران حزب در مسکو، و برای سِرَاقا، دوست گرامشی، در کیمبریج می‌فرستاد. نامه‌های اصلی و کپی آن‌ها در مؤسسه گرامشی، خیابان کونسرواتوریو، شماره ۵۵، رم، نگهداری می‌شوند.

گزیده‌ای از نامه‌های گرامشی، که شامل ۲۱۸ نامه می‌شد، در سال ۱۹۴۷ منتشر شد. از آن تاریخ به بعد نامه‌های دیگری در روزنامه‌های سوچتا، اونیتا و موندو اپراتیو به چاپ

۱. نشان خاندان سلطنتی ساووی (Savoia) صلیب نقره‌ای در پس‌زمینه سرخ بوده است و یک تاج. این خاندان در نواحی ایتالیای امروزی ساکن بودند و پادشاهی سیسیل را در سال ۱۷۱۳ بنیان نهادند. سرزمین ساووی در ۱۸۶۰ جزو فرانسه شد. -م.

رسیدند. در ۱۹۶۲ معدودی از نامه‌های ارسال شده برای خانواده در ریناشیتا منتشر شدند. در ۱۹۶۴ در جلد دوم آنتولوژی ۲۰۰۰ صفحه از نوشته‌های گرامشی^۱، علاوه بر انتشار بخشی از نامه‌های چاپ شده در ۱۹۴۷، ۷۷ نامه چاپ نشده دیگر منتشر شدند.

نسخه‌ای که پیش‌رو دارید حاوی تمامی نامه‌هاست، یعنی ۴۲۸ نامه. از بین این نامه‌ها ۱۱۹ نامه تاکنون منتشر نشده بودند. بسیاری از نامه‌ها در این نسخه برای اولین بار به صورت کامل منتشر می‌شوند. این نسخه بر مبنای دست‌نوشته‌ها تنظیم شده است.

در این نسخه املا و نشانه‌گذاری نامه‌های اصلی حفظ شده است. تغییرات مختصری در نشانه‌گذاری و بخش بالای نامه‌ها صورت گرفته است، به خصوص در نامه‌هایی که از روی نسخه‌های کپی بازنشر شده‌اند. در نامه‌ها خواندن حروفی که فاقد خط فاصله هستند دشوار است؛ مانند حرف t که ممکن است I خوانده شود، و نیز مانند برخی حروف صدا دار پایانی؛ علاوه بر این در نوشتار لاتین نام‌های روسی (Jul'ka, Julik) تشخیص I از J آسان نیست. خواندن برخی لغات به زبان ساردنیایی دشوار است. برای نامه‌های ارسال شده به خانواده که تاریخ مشابه دارند این ترتیب لحاظ شده است: مادر، تاتیانا، یولیا. پس از مرگ مادر: تاتیانا، جولیا. نامه‌های نوشته شده برای دو پسر گرامشی، دلیو و جولیانو، که تاریخ ندارند و قابل تاریخ‌گذاری هم نیستند، در پایان کتاب منتشر شده‌اند.

پانوشته‌ها حاوی اطلاعاتی‌اند درباره منابع و مآخذ، و نیز اطلاعاتی درباره نسخه‌های قبلی و ویژگی آن‌ها. در پانوشته‌ها نکات مبهم متن نامه‌ها شرح و ارجاعاتی به رویدادها و اشخاص داده می‌شود. برای آن‌که پانوشته‌ها پرطول و تفصیل نشوند فهرست کاملی از عناوین کتاب‌های ارجاع داده شده در ضمیمه آخر کتاب آمده است. علاوه بر این، برای نخستین بار خلاصه‌ای از برخی نامه‌های اشخاصی که مکاتبات با آن‌ها انجام می‌شد منتشر شده است.

فهرست نام‌های اختصاری منابع اصلی بر این قرار است:

D: ۲۰۰۰ صفحه از نوشته‌های گرامشی، به کوشش جانسیزو فِرَاتا و نیگولو گَالُو، ایل ساجاتوره، میلان، ۱۹۶۴، جلد ۲، نامه‌های منتشر شده و منتشر نشده (۱۹۱۲-۱۹۳۷).

Int: روشنفکران و سازمان فرهنگ^۱، ایننانودی، تورینو، ۱۹۴۹.

L: گزیده نامه‌های زندان^۲، همان‌جا، ۱۹۴۷.

LVN: ادبیات و حیات ملی^۳، همان‌جا، ۱۹۵۰.

Mach: یادداشت‌هایی درباره ماکیاوالتی، سیاست و دولت مدرن^۴، همان‌جا، ۱۹۴۹.

M.S: ماتریالیسم تاریخی و فلسفه بندتو کروچه^۵، همان‌جا، ۱۹۴۸.

O. N: نظم نوین (۱۹۱۹-۱۹۲۰)^۶، همان‌جا، ۱۹۵۴.

P. P: گذشته و حال^۷، همان‌جا، ۱۹۵۱.

R: ریسورجیمنتو^۸، همان‌جا، ۱۹۴۹.

S.G: نوشته‌های جوانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸)^۹، همان‌جا، ۱۹۵۸.

S.M: زیر گنبد (۱۹۱۶-۱۹۲۰)^{۱۰}، همان‌جا، ۱۹۶۰.

مستندات و منابع و خبرهای مربوط به زندگی گرامشی در زندان در پانوشته‌ها ارائه شده‌اند. دو فهرست از عناوین کتاب‌هایی که نزد پروفیسور سِرافا نگهداری می‌شدند به برخی از کتاب‌هایی مربوط می‌شوند که می‌دانیم برای گرامشی ارسال شده‌اند: فهرست اول مربوط به آغاز کار یک مدرسه فرهنگی است که توسط محکومان در اوستیکا راه‌اندازی شد؛ فهرست دوم مربوط به عناوین کتاب‌هایی است که به‌خوبی نمی‌دانیم برای مدرسه بودند یا برای استفاده شخصی. درواقع، گرامشی جایی به سِرافا اظهار کرده بود که در زندان سان ویتوره کتاب‌های زیادی باید به دستش می‌رسید، زیرا برای مدرسه زندانی‌ها به آن‌ها نیاز داشت. در ضمیمه دو فهرست از عناوین کتاب‌های ارجاع داده شده، نامه سِرافا درباره گرامشی

1. *Gli intellettuali e l'organizzazione della cultura*
2. *Lettere dal carcere*
3. *Letteratura e vita nazionale*
4. *Note sul Machiavelli, sulla politica e sullo Stato moderno*
5. *Il materialismo storico e la filosofia di Benedetto Croce*
6. *L'Ordine nuovo (1919-1920)*
7. *Passato e presente*
8. *Il Risorgimento*
9. *Scritti giovanili (1914-1918)*
10. *Sotto la Mole (1916-1920)*

در حبس در روزنامه منچستر گاردین (۲۴ اکتبر ۱۹۲۷) و متن کامل نامه تاتیانا (۱۲ مه ۱۹۳۷) به پیرو سیراقا که از واپسین ساعات زندگی گرامشی می‌نویسد، آمده است.

برای تدوین این مجلد، مؤسسه گرامشی در رم مطالب و منابعی در اختیار ما گذاشت. دکتر السا فوینینی در گردآوری کتاب، آماده‌سازی دست‌نوشته‌ها، و مطالعه و بررسی دقیق و کامل نامه‌های اصلی یاری‌مان کرد، و نیز نسخه‌ای از نامه‌های رونویسی‌شده را در اختیار ما گذاشت. علاوه بر این، او در آماده‌سازی پانوشته‌ها نیز یاری رساند. نکات و اشارات مفیدی در نسخه قبلی نامه‌ها در نشر ایل ساجاتوره یافتیم، که نقطه مرجع برای حاشیه‌نویسی نامه‌ها محسوب می‌شود.

آقای کارلو گرامشی با دانسته‌ها، رهنمون‌ها و توصیه‌هایش صمیمانه یاری‌مان کرد. پروفیسور پیرو سیراقا نامه‌های گرامشی از اوستیکا، دو نامه پروفیسور کوزمو، نامه تاتیانا که پس از مرگ گرامشی برایش نوشت، و دو فهرست از عناوین کتاب‌های ارجاع‌داده‌شده را در اختیار ما گذاشت. همچنین با انتشار بخش‌هایی از نامه‌هایی که برای تاتیانا نوشته بود و تاتیانا در نامه‌هایش برای گرامشی نقل می‌کرد، موافقت کرد. کار بازبینی نامه‌هایش به تاتیانا در سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۸ را نیز دوستانه به عهده گرفت، و با اظهارنظرها و دقت‌نظر بی‌نظیرش پیرامون برخی نکات مطرح‌شده به فهم بهتر مفاهیم یاری رساند.

از سناتور جوزپه برتی سپاسگزاریم که با انتشار نامه‌اش به گرامشی از اوستیکا موافقت کرد. آلفونسو لئونتی به خاطر آشنایی نزدیکش با گرامشی و شرح بسیاری از رویدادهای زندگی او کمک بزرگی به ما کرد. او همچنین در گردآوری سال‌شمار زندگی گرامشی یاری‌مان کرد. در این‌جا لازم می‌دانیم از ج. ویتوریو آمورتی، آلساندرو کاپریولیو، جووانی کازاله، چزاره کاسس، جوزپه فیوری، پیرو جروزا، جاکومو پورچلی، سالواتوره سکی، پائولو اسپریانو، ویتوریو استرادا به خاطر کمک‌شان تشکر کنیم. از بین کتابخانه‌هایی که در تحقیقات یاری‌مان کردند لازم است یاد می‌کنیم از مرکز مطالعات پیروگوپتی در تورینو. کارلو پینچین با اظهارنظرهای زبان‌شناختی الهام‌بخش و کمک‌هایش بارها روند کار را تسهیل و تسریع کرد.

سال شمار زندگی آنتونیو گرامشی

۱۸۹۱ آنتونیو گرامشی در روز ۲۲ ژانویه در آلس (کالیاری) به دنیا می‌آید. فرزند فرانچسکو و جوزپینا مارچاس، و چهارمین فرزند از هفت فرزند (جئارو، گراتسیئا، اِما، آنتونیو، ماریو، ترزینا، کارلو). پدرش، فرزند سرهنگ ژاندارمری بوربون‌ها، در ۱۸۶۰ در گانتا در خانواده‌ای با اصل و نسب آلبانیایی به دنیا آمد که در ۱۸۲۱ پس از شورش یونان به پادشاهی سیسیل نقل مکان کرده بودند. پدرش پس از پایان دبیرستان در اداره ثبت گیلارترزا مشغول به کار می‌شود (۱۸۸۱). در ۱۸۸۳ با جوزپینا مارچاس ازدواج و اندکی بعد به آلس نقل مکان می‌کند. مادر گرامشی در ۱۸۶۱ به دنیا آمد. از طرف پدر و مادر ساردنیایی و با بسیاری از خانواده‌های توانگر ساردنیا خویشاوند است.

۱۸۹۴-۱۸۹۶ همراه با خواهرانش اِما، گراتسیئا و ترزینا به کودکستان صومعه سوزگونو (نزدیک نونورو) فرستاده می‌شود. خانواده گرامشی از آلس به این‌جا نقل مکان می‌کنند. کودک بنیه ضعیفی دارد؛ در همین ایام—تقریباً چهار ساله است—از بغل زن خدمتکار می‌افتد و آسیب شدید جسمی به او وارد می‌شود.

۱۸۹۷-۱۸۹۸ پدرش به اتهام اختلاس از کار معلق و از حقوق محروم می‌شود. مادرش با هفت بچه برای زندگی به گیلارترزا نقل مکان می‌کند. آنتونیو (نینو) به مدرسه ابتدایی می‌رود.

- ۱۹۰۱ در امتحانات نهایی سال سوم ابتدایی استعدادی شگفت‌انگیز از خود نشان می‌دهد و به کلاس چهارم ابتدایی می‌رود.
- ۱۹۰۳-۱۹۰۵ در سال ۱۹۰۳، پس از گذراندن امتحان نهایی مدرسه ابتدایی، به دلیل شرایط سخت مالی خانواده ناگزیر برای دو سال در اداره ثبت اراضی گیلارترزا مشغول به کار می‌شود و پیش خودش درس می‌خواند.
- ۱۹۰۵-۱۹۰۸ به یاری مادر و خواهرانش ادامه تحصیلات او میسر می‌شود و به دبیرستانی در سانتو لوسورجو می‌رود که در پانزده کیلومتری گیلارترزا واقع شده است. در دوران دبیرستان در خانه یک زن روستایی در سانتو لوسورجو زندگی می‌کند. در سال‌های اول تحصیلی شیفتگی زیادی به ریاضیات و علوم نشان می‌دهد. حول و حوش ۱۹۰۵ غرق مطالعه نشریات سوسیالیستی مانند آواتی^۱ می‌شود که برادر بزرگ‌ترش، جتارو، از تورینو برایش می‌فرستد.
- ۱۹۰۸-۱۹۱۱ بعد از گذراندن امتحان نهایی به دبیرستان دتوری در کالیاری می‌رود. با برادرش جتارو، خزانه‌دار «اتاق اصناف» محلی و بعدها دبیر حزب سوسیالیست، زندگی می‌کند. به جنبش سوسیالیستی ملحق می‌شود و در گردهمایی جوانان فعالانه در بحث‌های مربوط به معضلات اقتصادی و اجتماعی جزیره ساردنیا شرکت می‌کند. احساس عمیق شورش علیه ثروتمندان، توأم با احساس غرور و افتخار به ساردنیا، در وجودش متجلی می‌شود. در ۱۹۱۰، اولین مقاله‌اش را در روزنامه کالیاری، لونیونه ساردا^۲، به سردبیری رافا گارتسیا منتشر می‌کند. در این زمان خبرنگار روزنامه آیدوماجوره، دهکده کوچکی نزدیک گیلارترزا در منطقه تیرسو، است. مجله ایل ویاندانته^۳ به سردبیری تومازو مونیچلی را مطالعه می‌کند. مقالات سالومینی، کروچه، پرتزولینی، چکی و غیره را دنبال می‌کند. در همین دوره «به دلیل کنجکاوی روشنفکرانه» غرق مطالعه آثار مارکس می‌شود. در تعطیلات، برای تأمین هزینه تحصیلاتش به کار حسابداری و تدریس خصوصی مشغول می‌شود.

۱. Avanti = به پیش!

۲. L'unione sarda = اتحاد ساردنیا

۳. Il Viandante = طلایه‌دار

تابستان. از دبیرستان فارغ التحصیل می شود. برای ورود به دانشگاه تصمیم می گیرد کمک هزینه تحصیلی معادل هفتاد لیر در ماه به مدت ده ماه در سال را، که از طرف کالج کارلو آلبرتو در تورینو برای محصلان بی بضاعت شهرهای سابق سرزمین پادشاهی ساردنیا در نظر گرفته شده است، به دست بیاورد. چند هفته ای را در اریستانو نزد پسر دایی مادرش، دایی سرافینو، می گذراند و به پسر او درس خصوصی می دهد. اواخر تابستان عازم تورینو می شود، توقفی کوتاه در ییزا می کند، و شبی مهمان خویانش، دلوگوا (پسر دایی های مادرش)، می شود.

اکتبر. در امتحان بورس شرکت می کند، دیگر نامزدهای شرکت در امتحان پالمیرو تولیاتی، آنگوستو روستانی، لیونلو وینچنتی هستند. بورس تحصیلی را به دست می آورد.

نوامبر. در دانشکده ادبیات ثبت نام می کند. ابتدا در لونگو دورا (خیابان فلورانس)، و برای مدتی کوتاه همراه با آنجلو تاسکا، دوست و هم دانشگاهی و رهبر جنبش جوانان سوسیالیست، در خیابان سان ماسیمو سکونت می کند. بعد هم نزد پڑا، زنی بیوه، اتاق کوچکی در طبقه آخر ساختمانی در میدان کارلینا، شماره ۸، نزدیکی های دانشگاهش اجاره می کند.

در ماه های اول زندگی دانشجویی کاملاً در عزلت و انزوا و در شرایط سخت مالی به سر می برد. دچار بحران عصبی می شود. علاقه اش عمده تاً مطالعات زبان شناسی است، و مشوق و الهام بخش اصلی او استادش مائتو بارتولی است که پژوهش هایی درباره زبان ساردنیایی منتشر کرده است. استاد ادبیات ایتالیایی او امبرتو کوزمو است. در کلاس درس الواح دوازده گانه قوانین رومی استاد پاگیونی بار دیگر با تولیاتی دیدار می کند و دوستی مستحکمی میان آن دو شکل می گیرد. مدت ها بعد، با هم پژوهشی درباره ساختار اجتماعی ساردنیا انجام می دهند.

تعطیلات تابستان را نزد خانواده اش در گیلارتزا می گذراند. در ترم پاییزی امتحانات این درس ها را پشت سر می گذارد: ۴ نوامبر، جغرافی (۳۰)؛ ۱۲ نوامبر، زبان شناسی (۳۰ و تقدیر)؛ دستور زبان یونانی و لاتین (۲۷).

۱۹۱۳

سخت درس می‌خواند و در سال تحصیلی ۱۹۱۲-۱۹۱۳ در دانشکده ادبیات و حقوق سر کلاس‌های درس آرتورو فارینلی، پیترو تونسکا، لونیجی ایننانودی، فرانچسکو روفینی و غیره حاضر می‌شود. اما به سبب وضع جسمی نامساعد نمی‌تواند برای امتحانات نهایی آماده شود.

اکتبر. گرامشی از گیلارترزا مقاله‌ای به نشانه حمایت از «حزب اقدام و تبلیغ علیه قانون حمایت از تعرفه‌ها»، که در ساردنیا توسط آتیلیو دِفَنو و نیکولو فانچلُو تشکیل شده است، می‌فرستد. مقاله‌اش در تاریخ ۹ اکتبر در لا ووجه^۱ به سردبیری پرتزولینی منتشر می‌شود. در ساردنیا در کارزار انتخاباتی برای برخورداری همه شهروندان از حق رأی، که پیش از برگزاری نخستین انتخابات آغاز شده، مشارکت می‌کند (۲۶ اکتبر - ۲ نوامبر)، و از تغییرات ایجادشده در آن محیط، و از شرکت انبوه مردم روستایی در حیات سیاسی جامعه اظهار شگفتی می‌کند. در این باره به یکی از یارانش، تاسکا، می‌نویسد. در ماه‌های بعد، به گفته تاسکا، برای نخستین بار با جنبش سوسیالیستی تورینو، به‌ویژه جوانان «جناح مرکزی»، ارتباط برقرار می‌کند. در همین روزهاست که احتمالاً عضو حزب سوسیالیست تورینو می‌شود.

۱۹۱۴

در بهار در این امتحانات قبول می‌شود: ۲۸ مارس، فلسفه اخلاق (۲۵)؛ ۲ آوریل، تاریخ مدرن (۲۷)؛ ۱۸ آوریل، ادبیات یونانی (۲۴). لا ووجه به سردبیری پرتزولینی و اوفیتا^۲ به سردبیری سالومینی را با پشتکار مطالعه می‌کند، و همراه برخی از یارانش برای راه‌اندازی یک مجله سوسیالیستی برنامه می‌چیند. به گانتانو سالومینی پیشنهاد می‌کند برای مبارزه انتخاباتی کالج ۶ (بورگو سان پائولو) در تورینو نامزد شود. گرامشی در کنار گروه کارگران و دانشجویان (سوسیالیست، لیبرال و غیره) مبارزه می‌کند که در تورینو جناح چپ انقلابی را سازماندهی می‌کنند و در تظاهرات بزرگ کارگری ۹ ژوئن در هفته خونین نقش مهمی ایفا می‌کنند. اکتبر. در بحث بر سر موضع حزب سوسیالیست ایتالیا در مواجهه با جنگ،

با مقاله‌ای با عنوان «بی‌طرفی فعال و عملی» (ایل گریدو دل پوپولو، ۳۱ اکتبر) با تاسکا که طرفدار «بی‌طرفی مطلق» است وارد مجادله می‌شود. ۱۱ نوامبر، در امتحان ادبیات نئولاتین (۲۷) قبول می‌شود. در دسامبر پروفیسور بارتولی به رئیس مؤسسه آلبرتینا می‌گوید: «آن جوان دستخوش چنان بحران‌های عصبی ادواری است که مانع می‌شوند با شور و اشتیاق لازم به درس‌هایش بپردازد.»

در زمستان ۱۹۱۴-۱۹۱۵ در درس فلسفه نظری استاد آنبیاله پاستوره شرکت می‌کند، که به او خصوصی هم درس می‌دهد. ۱۲ آوریل، در جلسه امتحان ادبیات ایتالیایی حاضر می‌شود. اما این آخرین امتحانی است که شرکت می‌کند. گرامشی از آن تاریخ دانشگاه را ترک می‌کند، هر چند به نظر می‌رسد دست‌کم تا سال ۱۹۱۸ سعی می‌کند از رشته زبان‌شناسی فارغ‌التحصیل شود.

پاییز. همکاری با ایل گریدو دل پوپولو به سردبیری جوزپه بیانکی را با یادداشت‌ها و مقالاتی حاوی مضامین اجتماعی و ادبی از سر می‌گیرد. ۱۰ دسامبر به هیئت تحریریه روزنامه آوانتی! در تورینو می‌پیوندد.

گرامشی فعالیت جدی روزنامه‌نگاری خود را به‌عنوان گزارشگر تئاتر، نویسنده یادداشت‌های فرهنگی و منتقد ستون «زیر گنبد»^۲ در روزنامه آوانتی! آغاز می‌کند. آماج حملات او عمدتاً لفاظی‌های ناسیونالیستی مداخله‌گرانه و بی‌اخلاقی روشنفکرانه و اجتماعی است. به جمع کارگران تورینو می‌پیوندد و درباره رومن رولان، کمون پاریس، انقلاب فرانسه، مارکس و آندرنای کوستا و غیره سخنرانی می‌کند.

فوریه. گرامشی — همان‌طور که بعدها اظهار می‌کند — «بیشتر گرایش کروچه‌ای» دارد، و برای سازمان جوانان سوسیالیست پیمونته جزوه‌ای با عنوان لا چیٹا فوتورا^۳ منتشر می‌کند (۱۱ فوریه). مقالات «سه شهریار»،

۱. *Il Grido del popolo* = فریاد خلق

۲. *Sotto la Mole*

۳. *La città futura* = شهر آینده

«سه نظم»، «بی‌اعتنایان»، «انضباط»، «تحشیه‌ها» و برخی از نوشته‌های کروچه، سالومینی و آرماندو کارلینی در جزوه منتشر می‌شوند. آوریل و ژوئیه. در برخی از مقالات و یادداشت‌های ایل گریدو دل پوپولو شخصیت لنین را می‌ستاید و اهداف غایی انقلاب روسیه را ترسیم می‌کند. اوت. همراه با دیگر اعضای حزب سوسیالیست برای بازدید گروهی از نمایندگان روسیه از تورینو آماده می‌شود. این بازدید در ۱۳ اوت به تظاهرات عظیم کارگری در تجلیل انقلاب روسیه و لنین ختم می‌شود. سپتامبر. پس از تظاهرات کارگری ۲۳-۲۶ اوت و بازدید تقریباً همه نمایندگان سوسیالیست تورینو، گرامشی دبیر کمیته اجرایی موقت حزب سوسیالیست تورینو می‌شود و مدیریت ایل گریدو دل پوپولو را به عهده می‌گیرد و تا اکتبر ۱۹۱۸ بیشتر وقت خود را با نیرویی خستگی‌ناپذیر صرف آن می‌کند.

اکتبر. یک شماره از ایل گریدو دل پوپولو را با مقالاتی از تولیاتی، ا.گ. موندولفو، ا. کوزمو، وب. بونوتری تماماً به مسئله آزادی فرهنگی اختصاص می‌دهد.

۱۸ و ۱۹ نوامبر. به‌عنوان نماینده کمیته اجرایی موقت حزب سوسیالیست تورینو و دبیر ایل گریدو دل پوپولو در کنفرانس مخفی «جناح انقلابی سازش‌ناپذیر»، که در ماه اوت در فلورانس تشکیل شده است، شرکت می‌کند. ک. لاتزاری، ج. م. سراتی، ن. بومباچی، آ. بوردیگا و دیگران هم حضور دارند. گرامشی درباره ضرورت مداخله فعال پرولتاریا در بحران جنگ با بوردیگا هم عقیده است.

دسامبر. پیشنهاد می‌کند در تورینو یک انجمن فرهنگ پرولتری ایجاد شود و بر ضرورت پیوند زدن کنش سیاسی و اقتصادی به نهادهای فرهنگی تأکید می‌ورزد. همراه با چند جوان دیگر—کارلو بوگاردو، آتیلیو کارنا، آندرنا ویگلونگو—«باشگاه زندگی اخلاقی» را راه‌اندازی می‌کند. این را به جوژپ لومباردو رادیچه می‌نویسد.

۲۴ دسامبر. با نوشتن سرمقاله «انقلاب علیه کاپیتال»، که سزائی آن را در روزنامه آواتی! منتشر می‌کند، درباره به قدرت رسیدن بلشویک‌ها بحث می‌کند. در ماه‌های بعد، برای احیای ایدئولوژیک و فرهنگی جنبش سوسیالیستی در ایل گریدو دل پوپولو اقداماتی می‌کند و به کمک رفیق لهستانی‌اش، آرون ویزنر، خبرها، اظهارنظرها و اسنادی را درباره گسترش انقلاب روسیه منتشر می‌کند.

ژانویه. پس از متهم شدن به «اراده‌گرایی»^۱، در مقاله «نقد نقد» در نشریه ایل گریدو دل پوپولو (۱۲ ژانویه) پاسخ می‌دهد و با کلانودیو تروس به مجادله می‌پردازد.

۱۹۱۸

در آوریل، مه و ژوئن در گزارش‌های شهربانی تورینو مرتباً از گرامشی در کنار دیگر رهبران حزب سوسیالیست تورینو، وابسته به فراکسیون انقلابی سازش‌ناپذیر، نام برده می‌شود. به مناسبت سالروز تولد مارکس مقاله «مارکس ما» را (۴ مه) برای ایل گریدو دل پوپولو می‌نویسد که توسط لوانگواردیا بازنشر می‌شود.

۲۲ ژوئن. در ایل گریدو دل پوپولو مقاله «شناخت انقلاب روسیه» را منتشر می‌کند.

ژوئیه. در محاکمه وقایع تورینو در اوت ۱۹۱۷ به حمایت از ماریا جودیچه، سردبیر سابق ایل گریدو دل پوپولو، شهادت می‌دهد.

۱۹ اکتبر. آخرین شماره ایل گریدو دل پوپولو با پیام خداحافظی گرامشی منتشر می‌شود تا جای خود را به دیگر نشریه تورینو، آواتی!، بدهد.

۵ دسامبر. نخستین شماره آواتی! به سردبیری اوتاویو پاستوره و هیئت تحریریه‌ای متشکل از گرامشی، تولیاتی، آلفونسو لئونتی، لئو گالاتو منتشر می‌شود. تیراژ روزنامه ظرف چند ماه از ۱۶ هزار نسخه به ۵۰ هزار می‌رسد. ۲۲ دسامبر. نخستین شماره هفته‌نامه ایل سویت^۲ در ناپل منتشر می‌شود.

۱. Volontarismo، ولونتاریسم، اراده‌گرایی یا اراده‌باوری. - م.

۲. Il Soviet = [به روسی] شور

۱۹۱۹

ارگان آتی فراکسیون تحریم‌گرایان انتخابات درون حزب سوسیالیست ایتالیا، که همراه با لوردینه نوووو در تورینو مرکز تجمع نیروهایی می‌شود که حزب کمونیست ایتالیا را بنیان می‌گذارند.

فوریه. در دو هفته‌نامه پِرو گوپتی، انرجیه نوووه^۱ (ش. ۷-۸)، مقاله «دولت و حاکمیت» را در پاسخ به نوشته بالینو جولیانو، «چرا مرد نظم هستم»، منتشر می‌کند.

۱۸-۲۲ مارس. گردانندگان حزب سوسیالیست ایتالیا با اکثریت مطلق ۱۰ رأی در مقابل ۳ رأی تصمیم می‌گیرند به اترناسیونال کمونیستی بپیوندند. آوریل. گرامشی در میان سربازان دهقان تیپ ساساری، که با هدف برقراری امنیت به تورینو اعزام شده‌اند، اقدام به تبلیغات مؤثری برای حزب سوسیالیست می‌کند. گرامشی، تاسکا، اومبرتو تراچینی و تولیاتی تصمیم می‌گیرند مجله لوردینه نوووو، نشریه هفتگی فرهنگ سوسیالیستی، را راه‌اندازی کنند. گرامشی دبیر هیئت تحریریه است. هزینه آن را تاسکا تأمین کرده است (۶۰۰۰ لیر). در آغاز کار نشریه یک کمونیست لیبرال، مهندس پیترو موسو («کارلو پتری»)، از اعضای هیئت تحریریه آن است. مدیر مالی و مدیر اجرایی نشریه رفیق پیا کارنا است.

۱ مه. اولین شماره لوردینه نوووو منتشر می‌شود. (در ستون سمت چپ در سرمقاله این شعار را می‌خوانیم: «بیاموزید، زیرا به همه هوش و مهارت شما نیاز خواهیم داشت. حرکت کنید، زیرا به همه شور و هیجان شما نیاز خواهیم داشت. ساماندهی داشته باشید، زیرا به همه نیروی شما نیاز خواهیم داشت.») در سال ۱۹۱۹، با میانگین ۳۰۰۰ خواننده و ۳۰۰ مشترک فعالیت می‌کند، اما تیراژ مجله در سال بعد به ۵۰۰۰ نسخه و ۱۱۰۰ مشترک می‌رسد و در تورینو و پیموته محبوبیت گسترده‌تری می‌یابد. در ماه مه گرامشی به‌عنوان یکی از اعضای کمیته اجرایی حزب سوسیالیست تورینو به رهبری ج. بونرو، تحریم‌کننده انتخابات، انتخاب می‌شود.

۱. *Energie Nuove* = نیروهای تازه

ژوئن. گرامشی با مقاله «دموکراسی کارگری» (لوردینه نوووو، ۲۱ ژوئن) مسئله کمیسیون‌های داخلی کارخانه را به مثابه «مراکز حیاتی پرولتری» و «ارگان‌های حقیقی قدرت پرولتری» در آینده پیش می‌کشد. گرامشی به طور منظم و اصولی به ترجمه مستندات و شواهدی از حیات کارخانه و شوراهای کارگران برگرفته از مطبوعات جهانی کارگری (روسی، فرانسوی، انگلیسی و غیره) می‌پردازد. نوشته‌هایی از لنین، زینوویف، بلا کون و دیگران منتشر می‌کند. در آن واحد، در همان مجله دست به انتشار صداهای برجسته انقلاب در عرصه فرهنگ می‌زند: باربوس، لوناچارسکی، رومن رولان، ایستمن، مارتینه، گورکی.

ژوئیه. گرامشی در اعتصاب سیاسی به نشانه همبستگی با حزب کمونیست روسیه و مجارستان بازداشت و برای چند روز به زندان جدید تورینو فرستاده می‌شود. در ۲۶ ژوئیه، نشریه لوردینه نوووو بیانیه «برنامه فراکسیون کمونیستی»، نخستین سند رسمی فراکسیون کمونیستی تحریم‌گرایان درون حزب سوسیالیست ایتالیا به رهبری بوردیگا، را که در ایل سویت منتشر شده است بازنشر می‌کند.

۱۳ سپتامبر. لوردینه نوووو بیانیه «به کمیسرهای کارگاه کارخانه‌های مرکز فیات و بخش برِوتی» را منتشر می‌کند. در مذاکرات پیش از کنگره حزب سوسیالیست در بولونیا (۵-۸ اکتبر) گروه لوردینه نوووو به حمایت از جنبش «ماکسیمالیسم انتخابات‌گرایان» به رهبری سراتی، که اکثریت مطلق آرا را به دست می‌آورد، کناره می‌گیرد. کنگره بولونیا تصمیم می‌گیرد به انترناسیونال کمونیستی ملحق شود.

اکتبر. گرامشی در تورینو با سیلویا پنکهرست دیدار می‌کند و لوردینه نوووو تعدادی از نامه‌های او را با عنوان نامه‌هایی از انگلستان با ترجمه تالیاتی منتشر می‌کند.

۱ نوامبر. نشست شاخه محلی فدراسیون کارگران ذوب آهن ایتالیا^۱ (فیوم)

در تورینو با طرح پیشنهادی م. گارینو و ج. بونرو برگزار می‌شود، و مجمع کمیسرهای کارگاه برنامه کمیسرهای کارگاه را تهیه و اصول و مقررات شوراهای کارخانه را اعلام می‌کند. در ۸ نوامبر لوردینه نوووو «برنامه کمیسرهای کارگاه» را منتشر می‌کند.

۶ دسامبر. شاخه محلی حزب سوسیالیست در تورینو مذاکرات درباره شوراهای کارخانه را آغاز و ضوابط و مقررات خود را تصویب می‌کند، و یک کمیته مطالعات به رهبری تولیاتی تشکیل می‌دهد.

۱۵-۱۷ دسامبر. کنگره اتاق اصناف در تورینو طرحی پیشنهادی در حمایت از شوراهای کارخانه تصویب می‌کند. مسئله شوراهای کارخانه به طور جدی از سوی جریان‌های مختلف سوسیالیستی به بحث و مذاکره گذاشته می‌شود. ایل سویت به سردبیری بوردیگا، کمونیسمو به سردبیری سراتی، باتالیه سیندیکالی^۱ به رهبری کنفدراسیون عمومی کار^۲، آوانتی! و غیره به مذاکره می‌پردازند. سول، که جریان شوراها را دنبال می‌کند، اظهار می‌کند: «نشریه کوچک تورینو، لوردینه نوووو، درخور توجه‌تر از کریستیکا سوچاله^۳ است.»

۱۹۲۰

ژانویه و فوریه. گرامشی در لوردینه نوووو (۲۴-۳۱ ژانویه) مقاله «برنامه عمل حزب سوسیالیست تورینو» را، که همراه با تولیاتی مجدداً به عضویت کمیته اجرایی آن درمی‌آید، منتشر می‌کند. در فعالیت مدرسه فرهنگی که نشریه در ۱۹۱۹ وعده آن را داده بود با درس‌هایی در باب انقلاب روسیه مشارکت می‌کند. در نشست مجمع «سازدنیای جوان» شرکت می‌کند و حرف‌های جنجالی می‌زند. بعدها در تورینو همراه با پیتر و چووفو («چیپ») و دیگران حلقه سوسیالیست‌های ساردنیا را تشکیل می‌دهد.

۲۷ مارس. لوردینه نوووو بیانیه «برای کنگره شوراهای کارخانه» را با امضای کمیسیون اجرایی حزب سوسیالیست تورینو، کمیته مطالعات شوراهای کارخانه، لوردینه نوووو، و گروه آزادی خواه تورینو صادر می‌کند.

۲۸ مارس. صاحبان صنایع اواخر مارس به اعتصاب تورینو که به «اعتصاب عقربه ساعت» معروف می‌شود واکنش نشان می‌دهند و تصریح می‌کنند که قصد دارند دست به تعطیلی عمومی کارخانجات فولاد بزنند، و تنها با این شرط کار را از سر می‌گیرند که اعضای کمیسیون‌های داخلی برکنار و شوراهای کارخانه منحل شوند.

۱۳ آوریل. اعتصاب عمومی اعلام می‌شود و بیش از ۲۰۰ هزار کارگر تورینویی در آن شرکت می‌کنند، اما جنبش در کل کشور گسترش پیدا نمی‌کند.

۲۴ آوریل. اعتصاب عمومی با پیروزی بزرگ صاحبان صنایع پایان می‌یابد. کنترل نظم داخلی کارخانه دوباره به دست کارخانه‌داران می‌افتد. اعتصاب آوریل، که گرامشی و گروه لوردینه نووو از آن حمایت می‌کنند، از پشتیبانی کنفدراسیون عمومی کار و رهبران حزب سوسیالیست محروم می‌ماند.

۸ مه. لوردینه نووو طرح پیشنهادی «به سوی نوسازی حزب سوسیالیست» را منتشر می‌کند که گرامشی از همان نخستین روزهای مبارزه کارگران ذوب آهن به طور مبسوط به شرح آن می‌پردازد و توسط نمایندگان حزب سوسیالیست تورینو به شورای ملی حزب سوسیالیست ایتالیا (میلان، ۱۸-۲۲ آوریل) ارائه می‌شود.

۸-۹ مه. به عنوان ناظر در کنفرانس جناح کمونیستی تحریم‌گرایان به رهبری بوردیگا در فلورانس شرکت می‌کند، که در این ماه‌ها سازماندهی خود را در کل کشور استحکام می‌بخشد. گرامشی با آن که ارتباط نزدیک خود را با این جناح حفظ می‌کند، معتقد است حزب کمونیست ممکن نیست به سادگی براساس تحریم انتخابات بر ساخته شود. با دانشگاه مردمی فلورانس درباره دعوت گروهی از کارگران و دانشجویان آن شهر گفت‌وگو می‌کند.

۲۳-۲۸ مه. در کنگره اتاق اصناف تورینو، که در آن طرحی از تاسکا درباره شوراهای کارخانه تصویب می‌شود، شرکت می‌کند.

ژوئن-ژوئیه. اختلاف آشکار گرامشی با تاسکا درباره مسئله کارکرد و استقلال شوراهای کارخانه گسترده‌تر می‌شود. گرامشی و لوردینه نوووو از تأسیس «گروه‌های کمونیستی کارخانه» در تورینو حمایت می‌کنند، که زیربنای حزب کمونیست را در آینده تشکیل می‌دهد (گرامشی، گروه‌های کمونیستی، لوردینه نوووو، ۱۷ ژوئیه). برای کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیستی گزارشی درباره «جنبش شوراهای کارخانه در تورینو» می‌فرستد که در نشریه انترناسیونال کمونیستی^۱ به زبان‌های روسی، آلمانی و فرانسه منتشر می‌شود.

دومین کنگره انترناسیونال سوم (۱۹ ژوئیه-۷ اوت) شرایط پیوستن احزاب به کمیتن را تعیین می‌کند («۲۱ ماده»). کنگره از حزب سوسیالیست ایتالیا دعوت می‌کند که رفرمیست‌ها را از حزب اخراج کند و از طرح «بهربرداری از نهادهای بورژوازی دولت و نفوذ به درون این نهادها به قصد تخریب‌شان» حمایت می‌کند. بوردیگا مواضع گروه لوردینه نوووو را، که به کنگره معرفی نشده بود، تبیین می‌کند. لنین، به رغم اختلاف نظر در میان هیئت نمایندگان ایتالیا، طرح پیشنهادی گرامشی، «به سوی نوسازی حزب سوسیالیست»، را کاملاً همسو با اصول انترناسیونال سوم اعلام می‌کند.

اوت. گرامشی از گروه تولیاتی و تراچینی جدا می‌شود و از پیوستن به فراکسیون کمونیستی طرفداران انتخابات در حزب سوسیالیست تورینو سر باز می‌زند. گروه کوچکی به نام «تربیت کمونیستی» تشکیل می‌دهد با گرایش معطوف به تحریم گرایان طرفدار بوردیگا. مقاله «برنامه لوردینه نوووو» را منتشر می‌کند (لوردینه نوووو، ۱۴ و ۲۸ اوت).

سپتامبر. در جنبش اشغال کارخانه‌ها شرکت می‌کند. حتی به میلان می‌رود و از برخی از کارخانه‌ها بازدید می‌کند. در یک سری مقالات، که در آوانتی^۱ در تورینو منتشر می‌کند، به کارگران هشدار می‌دهد که صرفاً

1. *Internazionale comunista* = بین‌الملل سوم

اشغال کارخانه‌ها مسئله قدرت را حل نمی‌کند و بر ضرورت خلق یک جبهه دفاعی نظامی متشکل از کارگران تأکید می‌ورزد.

اکتبر. خواهان ادغام گروه‌های مختلف (تحریم‌گرایان، انتخاب‌گرایان و «تربیت کمونیستی») در حزب سوسیالیست تورینو است. در لوردینه نوووو مقاله «حزب کمونیست» را منتشر می‌کند (۹ اکتبر). در نیمه اول اکتبر در جلسه گروه‌های مختلف موافق با پذیرش «۲۱ ماده» تعیین شده از سوی کنگره انترناسیونال سوم در میلان شرکت می‌کند (تحریم‌گرایان، گروه لوردینه نوووو، عناصر جریان چپ در حزب سوسیالیست ایتالیا). «قطعنامه» جناح کمونیستی با امضای ن. بومباچی، آ. بوردیگا، ب. فورتیکاری، گرامشی، ف. میزیانو، ل. رهوسی، ا. تراچینی تصویب می‌شود که در تاریخ ۳۰ اکتبر در لوردینه نوووو منتشر می‌شود.

۲۸-۲۹ نوامبر. در اجلاسیه ایمولا شرکت می‌کند، و در آنجا قطعنامه تأسیس فراکسیون کمونیستی رسماً تصویب می‌گردد (به «فراکسیون کمونیستی ایمولا» معروف می‌شود).

دسامبر. با آنری باربوس دیدار می‌کند، که در ۵ دسامبر در خانه مردم در تورینو درباره جنبش کلارته^۱ نطق می‌کند. خواهر گرامشی، افا، بر اثر ابتلا به مالاریای بدخیم در گیلارترزا از دنیا می‌رود. گرامشی با خانواده‌اش دیدار می‌کند.

۲۴ دسامبر. آخرین شماره هفته‌نامه لوردینه نوووو منتشر می‌شود. آنتولوژی نوشته‌های گرامشی در لوردینه نوووو، که سال بعد توسط پیرو گویتی تکمیل و بازبینی می‌شود، هرگز به مرحله چاپ نمی‌رسد. لوردینه نوووو جای خود را به آوانتی!، نشریه تورینو، می‌دهد و مدیریت نشریه جدید - ارگان کمونیست‌های تورینو - به گرامشی سپرده می‌شود.

۱. Clarté، گروهی بین‌المللی که در ۱۹۱۹ توسط آنری باربوس، نویسنده و عضو حزب کمونیست فرانسه، سازماندهی شده بود و نقش مهمی در جمع‌آوری نیروهای روشنفکر ضد سرمایه‌داری داشت. - م.

۱۹۲۱

۱ ژانویه. نخستین شماره لوردینه نوووی جدید در تورینو منتشر می‌شود (در صفحه اول شعار لاسال را می‌خوانیم: «بیان حقیقت عملی انقلابی است.») هیئت تحریریه متشکل از تولیاتی، لئونتی، ا. پاستوره، ماریو مونتانیانا، جوانی آمورتی، و دیگران است. گرامشی ستون نقد تناثر و بخش ادبی را بر عهده پیروگوبتی می‌گذارد. اومبرتو کالوسو («سارماتی») با روزنامه همکاری می‌کند.

۱۴ ژانویه. به اتفاق زینو زینی و دیگر دوستان بنیاد فرهنگ پرولتری، شاخه‌ای از جنبش «پرولتکولت» (Prolet'kult) مسکو را راه‌اندازی می‌کند. دبیر بنیاد، جووانی کازاله، از اعضای هیئت تحریریه لوردینه نووواست.

۱۵-۲۱ ژانویه. در هفدهمین کنگره ملی حزب سوسیالیست ایتالیا در لیورنو شرکت می‌کند. تراچینی، بوردیگا، بومباچی و نمایندگان انترناسیونال سوم، کاباکچیف و راکوسی، در جهت اهداف قطعنامه ایمولا («کمونیسم ناب») سخنرانی می‌کنند. جنبش «کمونیسم ناب» ۵۸/۷۸۳ رأی کسب می‌کند. جنبش فلورانس («کمونیسم وحدت‌خواه»، به رهبری سراتی) اکثریت مطلق آرا را به دست می‌آورد (۹۸/۰۲۸)؛ جنبش رجو امیلیا (رفرمیست‌ها) ۱۴/۶۹۵ رأی به دست می‌آورد. در ۲۱ ژانویه نمایندگان جناح کمونیستی «حزب کمونیست ایتالیا، شاخه انترناسیونال سوم» را تشکیل می‌دهند. گرامشی یکی از اعضای کمیته مرکزی است. اعضای کمیته اجرایی بوردیگا، فورتیکاری، ر. گریکو، ل. رهوسی و تراچینی هستند.

۲۸ ژانویه. گرامشی مقاله «کاپورتو و ویتوریو وینتو» را درباره انشعاب لیورنو در لوردینه نوووی می‌نویسد. در همین ماه‌ها در نقدی ژورنالیستی از یک سو به «ماندارن‌ها»ی اتحادیه صنفی و رفرمیست‌ها، و از سوی دیگر به میانه‌روهای با گرایش ماکسیمالیستی در حزب سوسیالیست ایتالیا می‌تازد. در مجموعه‌ای از مقالاتش به تجزیه و تحلیل مفهوم طبقه در جنبش فاشیسم می‌پردازد.

۲۷ فوریه. با جوزپه پرتزولینی آشنا می شود و در کنفرانس او در خانه مردم در تورینو با موضوع «روشنفکران و کارگران» مشارکت می کند.

۲۰ مارس. ساوونا. در نخستین کنگره فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در منطقه لیگوریا شرکت و سخنرانی می کند.

۸ مه. مقاله «انسان هایی از گوشت و استخوان» را پس از اعتصاب طولانی و شکست خورده کارگران فیات می نویسد. در انتخابات سیاسی ۱۵ مه، برای نخستین بار نامش در فهرست نامزدهای انتخابات حزب کمونیست ایتالیا در تورینو است، اما برای ریاست حزب انتخاب نمی شود. بهار، به اتفاق یکی از اعضای لژیون فیومه، ماریو جوردانو، برای دیدار با دانونتسیو عازم گاردونه می شود. اما به گفته نینو دانیله، نماینده دانونتسیو در پیمونته، این دیدار دست نمی دهد.

اکتبر. در آستانه هجدهمین کنگره حزب سوسیالیست ایتالیا مقاله «کنگره سوسیالیست» را منتشر می کند (لوردینه نوووو، ۹ اکتبر). در کنگره، سراتی ماکسیمالیست پیوستن خود را به انترناسیونال کمونیستی اعلام می کند. دسامبر. کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیستی مجموعه ای از ۲۵ تز را در باب «جبهه واحد کارگری» منتشر می کند، که خطی مشی تعیین شده از سوی کنگره سوم انترناسیونال را در جهت «اتحاد اکثریت احزاب طبقه پرولتاریا» بسط می دهد.

۱۸، ۱۹، ۲۰ دسامبر. گرامشی در اجلاسیه کمیته مرکزی حزب در رم شرکت می کند و همراه با بوردیگا، گراتسیاندی، سانئا، تاسکا و تراچینی رساله ای پیرامون مسئله ارضی و مسئله اتحادیه ارائه می دهد و در کنگره دوم حزب کمونیست ایتالیا یک استراتژی پیشنهاد می کند. ۳۱ دسامبر، لوردینه نوووو فراخوان کمیته اجرایی انترناسیونال را برای تشکیل یک «جبهه واحد» منتشر می کند.

۱۶ فوریه. در نشست حزب کمونیست تورینو درباره اصول و خط مشی و تاکتیک های حزب سخنرانی می کند.

۲۰-۲۴ مارس. در رم در کنگره دوم حزب کمونیست ایتالیا شرکت می‌کند، و کنگره با اکثریت مطلق آرا (۳۱/۰۸۹ رأی موافق، ۴۱۵۱ رأی مخالف) «تزه‌های رم» را، که در واقع فراخوان «جبهه واحد» دارد می‌کنند، تصویب می‌کند. گرامشی اعلام می‌کند که تاکتیک «جبهه واحد» در سطح اتحادیه صنفی امکان‌پذیر است، اما مانند بسیاری دیگر در کنگره، مخالف ایجاد اتحاد جریان‌های سیاسی است. درباره مسئله اتحادیه با تاسکا وارد بحث می‌شود. درباره ائتلاف نیروهای کار به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد. در کنگره (تاسکا، گراتسیادنی، ووتا و دیگران) اقلیتی — که بعدها معلوم می‌شود دست‌راستی است — معترض به مواضع انترناسیونال کمونیستی شکل می‌گیرد. گرامشی به‌عنوان نماینده ایتالیا در کمیته اجرایی انترناسیونال در مسکو انتخاب می‌شود.

۲۷-۲۹ مارس. رم. در کنگره فدراسیون جوانان کمونیست شرکت و سخنرانی می‌کند.

آوریل. در اوایل آوریل در شعبه تورینوی حزب کمونیست ایتالیا درباره کنگره رم سخنرانی می‌کند. در کورسپوندانس انترناسیونال^۱ مقاله «بحران رژیم» را منتشر می‌کند (۱۲ آوریل). در جنوا است و در کنفرانسی شرکت می‌کند که از سوی قدرت‌های بزرگ به قصد برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با اتحاد جماهیر شوروی برگزار شده است. پیرو گویتی در لا ریپولوتسیونه لیراله^۲ (۲ آوریل) مقاله‌ای درباره گرامشی و جنبش کمونیست تورینو منتشر می‌کند.

۲۶ مه. با وجود وضع جسمی نامساعد با ا. گراتسیادنی و بوردیگا عازم مسکو می‌شود.

ژوئن. در دومین کنفرانس کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیستی شرکت می‌کند (۷-۱۱ ژوئن). او نیز به عضویت کمیته اجرایی انترناسیونال

۱. *Correspondance internationale* = مکاتبات بین الملل

۲. *La Rivoluzione liberale* = انقلاب لیرال

کمونیستی درمی‌آید. پس از کنفرانس برای چند ماه در آسایشگاه سربریانی‌بور، نزدیکی‌های مسکو، بستری می‌شود. در آن‌جا با یولیا («جولیا») شوخت آشنا می‌شود.

سپتامبر. به دعوت تروتسکی یادداشتی درباره فوتوریسم ایتالیایی می‌نویسد. تروتسکی آن [نامه] را در ضمیمه کتاب خود، ادبیات و انقلاب^۱ (۱۹۲۳)، منتشر می‌کند.

۴-۱ اکتبر. نوزدهمین کنگره حزب سوسیالیست ایتالیا تصمیم می‌گیرد رفرمیست‌ها را اخراج کند و به انترناسیونال کمونیستی بپیوندد.

۲۸ اکتبر. «راهپیمایی به سوی رم»: فاشیست‌ها قدرت را به دست می‌گیرند. دوران غیرقانونی بودن فعالیت حزب کمونیست ایتالیا آغاز می‌شود. همان‌گونه که تروتسکی بعدها در سال ۱۹۳۲ یادآوری می‌کند، در حزب «به استثنای گرامشی» هیچ‌کس از امکان وقوع دیکتاتوری فاشیستی آگاه نبود.

نوامبر-دسامبر. گرامشی در چهارمین کنگره انترناسیونال کمونیستی شرکت می‌کند (۵ نوامبر-۵ دسامبر)، که به «مسئله ایتالیا» و به‌ویژه ایجاد همبستگی میان حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ایتالیا، که زینوویف از حامیان آن است، می‌پردازد. نمایندگان کمیسیون ادغام از طرف کمونیست‌ها گرامشی (جایگزین بوردیگا)، اسکوچیمازو و تاسکا و از طرف سوسیالیست‌ها سراتی، تونتی و مافی هستند. پروژه ادغام، که اکثریت اعضای حزب کمونیست ایتالیا با آن مخالف‌اند و تنها با آغاز کار انترناسیونال کمونیستی به طور صوری آن را می‌پذیرند، به دلیل بازداشت سراتی در ایتالیا و به علت اقدامات درون حزب سوسیالیست از سوی جریانی به رهبری نتتی به وقوع نمی‌پیوندد. گرامشی در کورسپوندانس انترناسیونال (۲۰ نوامبر) مقاله‌ای درباره «خاستگاه‌های کابینه موسولینی»^۲ منتشر می‌کند.